

گفتمان‌سازی اسلام سیاسی، ابزار دفاعی امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در برابر ایالات متحده آمریکا*

□ محمد دادپناه^۱ ✉
□ فاطمه اربابی برزکی^۲

چکیده

بررسی اجمالی بیانات و آثار مقام معظم رهبری، مبین آن است که آثار و عملکرد ایشان در ابعاد نظری و عملی، متأثر از یک مکتب و منظومه فکری خاص است که از ویژگی‌های توحیدی، جامعیت، انسجام و اجتهادی برخوردار است. رویکردهای ایشان در رویارویی با مخالفان و معارضان انقلاب اسلامی، متأثر از این منظومه فکری است. در این پژوهش تلاش شده است در مکتب فکری مقام معظم رهبری، گفتمان و گفتمان‌سازی متأثر از اسلام سیاسی، به‌عنوان یکی از ابزارها و سازوکارهای دفاعی در رویارویی با دشمنان انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا و گسترده‌تر از آن نظام بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. فرایند گفتمان‌سازی در مکتب فکری ایشان با مفصل‌بندی از عناصر دارای

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان (نویسنده مسئول) (m.dadpanah149@gmail.com).

۲. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران، تهران (f.arbabi2000@gmail.com).

قابلیت اعتبار در میان همه ملت‌ها، به‌واسطه سازگاری با فطرت اولیه بشری شکل گرفته است. ایشان با غیریت‌سازی و تحلیل بی‌قراری در گفتمان غیر یعنی لیبرال‌دموکراسی به رهبری ایالات متحده آمریکا، هژمونی آن را به چالش می‌کشد. از این رو فرایند گفتمان‌سازی و تعریف و بازتعریف مستمر اسلام سیاسی، یکی از ابزارها و سازوکارهای دفاعی در مکتب فکری مقام معظم رهبری معرفی می‌شود. **واژگان کلیدی:** مکتب فکری، گفتمان، قابلیت اعتبار، مفصل‌بندی، فطرت.

مقدمه

بررسی اجمالی آثار، بیانات و عملکرد مقام معظم رهبری، حکایت از یک انسجام و هماهنگی در کلیه آثار ایشان دارد که می‌توان از آن تعبیر به نظام اندیشه‌ای، مکتب فکری و یا منظومه فکری کرد. به عبارت دیگر، نظام فکری مقام معظم رهبری، یک کل به‌هم‌پیوسته است که ضمن اینکه هیچ‌کدام از اجزا با هم تناقض و یا تعارض ندارند، در هماهنگی کامل با همدیگر نیز قرار دارند. در تعریف مکتب گفته می‌شود، یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی، روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۶-۵۴).

به علت ابتدای مکتب فکری مقام معظم رهبری بر اسلام ناب، چند ویژگی بر آن مترتب است که از آن جمله می‌توان به توحیدی بودن، جامعیت، اتقان، انسجام و هماهنگی، و اجتهادی بودن اشاره کرد (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۶: ۸۹). بنابراین مدارک و متون اساسی دین اسلام از جمله قرآن کریم، سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام، در شکل‌گیری مکتب فکری مقام معظم رهبری، نقش محوری و تعیین‌کننده دارد و نمی‌توان مکتب فکری ایشان را برآمده از آزمون و خطا، و یا سلیقه‌ای و ذوقی دانست. همچنین فهم راهبردها، روش‌ها، مواضع، افق‌ها و چشم‌اندازهای ایشان در حوزه‌های مختلف جز با شناخت و دقت در مکتب فکری معظم‌له میسر نمی‌باشد. منظومه فکری مقام معظم رهبری، انعکاسی از منظومه فکری امام خمینی است که بی‌تردید مکتب

فکری ایشان نیز متأثر از سیره معصومان علیهم‌السلام و انبیاء الهی است.

بنابراین اندیشه و مکتب دفاعی ایشان نیز مبتنی بر اصول و مبانی دین مبین اسلام است و از یک جامعیت و انسجام برخوردار است. در اندیشه و مکتب دفاعی ایشان، دفاع نه به منظور کسب برتری و تحصیل دستاوردهای نسبی، بلکه به منظور ایجاد یک دفاع آینده‌نگر حاصل می‌شود که با اتخاذ راهبردهای مناسب، با تهدیدات و تهاجمات دشمنان انقلاب اسلامی مقابله می‌شود (میرحسینی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۳). تلقی و فهم تجاوزکارانه دشمنان انقلاب اسلامی از موفقیت‌های ایران در عرصه‌های گوناگون، زمینه را برای ترسیم اندیشه و مکتب دفاعی در ایران فراهم نموده است که به وضوح می‌توان در منظومه فکری مقام معظم رهبری مشاهده کرد.

از این رو، راهبرد کلان غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، از یک طرف معرفی ایران به عنوان یک تهدید و از طرف دیگر مهار نفوذ ایران و حاشیه‌ای کردن مبانی و اصول سیاسی فرهنگی و اعتقادی ایران در گستره منطقه‌ای و بین‌المللی است. بی‌تردید رویارویی و مقابله با این تهاجم در مقیاس حاکمیتی در جمهوری اسلامی ایران اجتناب‌ناپذیر است و برای رویارویی و مقابله با این تهاجم باید دفاعی درخور و متناسب صورت گیرد که گستره و قلمرو آن، برابر و یا حتی بیشتر از گستره و قلمرو تهدید مذکور باشد.

از این رو، سؤالی که باید به آن پاسخ داد این است که نخبگان سیاسی در سطح حاکمیتی و به طور مشخص مقام معظم رهبری، از چه ابزار و سازوکاری برای رویارویی و مقابله با این تهدید در این مقیاس و گسترده‌گی استفاده نموده‌اند؟ آیا این ابزار و سازوکار از فراگیری و قابلیت اعتبار و نفوذ در گستره منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است؟

پیشینه تحقیق

تقابل ایدئولوژی‌های متعارض و مخالف همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته است. حامیان هریک از این تفکرات به منظور تثبیت اعتقاد و منافع خود، در رویارویی و تقابل با همدیگر قرار داشته‌اند. بر اساس هستی‌شناسی اسلامی و متأثر از نوع خاص

انسان‌شناسی اسلام، اعتقاد بر این است که نبرد عقل و نفس در وجود انسان‌ها، به روابط اجتماعی انسان‌ها و فراتر از آن در عرصه نظام بین‌الملل تسری پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، تقابل جبهه حق و باطل، بازتابی از مواجهه عقل و نفس در وجود انسان‌هاست.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این نبرد و رویارویی به شکل برجسته بین اسلام سیاسی به نمایندگی انقلاب اسلامی و لیبرال‌دموکراسی به رهبری آمریکا به وقوع پیوسته است. بسیاری از صاحب‌نظران در تشریح و ارائه راهکار مقابله با تفکر لیبرال‌دموکراسی از منظر مقام معظم رهبری، آثاری را ارائه کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به کتاب *منظومه فکری آیه‌الله العظمی خامنه‌ای* (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۶) اشاره نمود. اگرچه این اثر در معرفی منظومه فکری ایشان، اثری جامع و کامل است و در ترسیم جامعه مطلوب در تقابل با جامعه غیرتوحیدی، تفکر لیبرال‌دموکراسی را معرفی نموده است، اما در ارائه راهکار و روش تقابل با جبهه لیبرال‌دموکراسی به فراخور موضوع، فقط به کلیات اکتفا کرده و از ورود به راهکارهای میدانی و عملی برای تقابل با ایدئولوژی لیبرال‌دموکراسی خودداری کرده است.

از دیگر آثاری که در رابطه با نوع مواجهه با آمریکا از منظر مقام معظم رهبری ارائه شده است، کتاب *آمریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه‌الله خامنه‌ای* (محمدی، ۱۳۸۶) است. در این اثر، سیاست‌های آمریکا از نگاه حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در هشت فصل مورد بررسی قرار گرفته است. ضمن بررسی اصول سیاست خارجی ایران و آمریکا، تقابل ایران با ایالات متحده آمریکا تقابل با خوی استکباری این کشور اعلام شده و نه تقابل با ملت آمریکا. همچنین برای ترسیم چهره سیاسی آمریکا، نسبت دولت این کشور با حقوق بشر و تروریسم و در نهایت نوع مواجهه این دولت با اسلام سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه این اثر، نوع مواجهه ایالات متحده آمریکا و اسلام سیاسی را به شکلی مناسب و موشکافانه مورد تحلیل و بررسی قرار داده است، اما در نوع و روش مواجهه با تهاجمات این دولت غفلت شده و به بعضی از راهکارهای کلی و انتزاعی اکتفا شده است.

از دیگر آثاری که در رابطه با نوع مواجهه انقلاب اسلامی و ایالات متحده آمریکا ارائه شده است، مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «مبارزه با آمریکا‌گرایی در اندیشه آیه‌الله

خامنه‌ای» (حاجی‌ناصری و انوریان اصل، ۱۴۰۰) است. در این اثر، منشأ اندیشه‌های آیه‌الله خامنه‌ای به شکلی دقیق مورد بررسی قرار گرفته و نظام شناختی ایشان بر اساس جهان‌بینی توحیدی، قرآن، اندیشه‌های امام خمینی، آرمان‌های انقلاب اسلامی و قانون اساسی ترسیم شده است. به عبارت دیگر، نویسندگان تلاش کرده‌اند مؤیدها و دلایل روایی تقابل انقلاب اسلامی با تفکر لیبرال‌دموکراسی آمریکا را از آیات قرآن کریم، روایات و سیره ائمه‌السلام استخراج نمایند. ولی این اثر نیز همانند دیگر آثار مذکور، از این کاستی برخوردار است که در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای، به راهکارها و چگونگی مواجهه انقلاب اسلامی با اندیشه لیبرال‌دموکراسی پرداخته نشده است.

در جستار پیش رو، تلاش بر این است تا ضمن استفاده از آثار مذکور در این رابطه، نقایص آثار مذکور که در سؤال این پژوهش خلاصه می‌شود، برطرف گردد. از این رو در این پژوهش، رویکرد و پیشنهاد عملیاتی مقام معظم رهبری برای مواجهه و مقابله با تفکر لیبرال‌دموکراسی آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش گفتمان‌سازی بهره‌برداری شده است. گفتمان در لغت به معنای منظومه فکری یا نظام اندیشه‌ای است و در اصطلاح به معنای مجموعه یا دستگامی بینشی است که از راه واژگان و گفتارهای نهادینه‌شده، بر ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد و گاه حتی بر آگاهی یک دوران تاریخی نیز سایه می‌اندازد بی‌آنکه کاربران همواره بر این ذهنیت و خصلت خاص تاریخی آن خودآگاه باشند (آشوری، ۱۳۹۲: ۱۵۰). یکی از موضوعات بسیار مهم و پرتکرار در مباحث علوم اجتماعی و سیاسی، مقوله گفتمان و گفتمان‌سازی است. بسیاری از اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی به انحاء گوناگون به نظریه گفتمان و گفتمان‌سازی پرداخته و به عبارتی شرایط ظهور و سقوط گفتمان‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

گفتمان اصطلاحی است که در زمینه‌ها و رشته‌های گوناگون چون فلسفه، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و زبان‌شناسی به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است و فیلسوفان و نظریه‌پردازان مختلف درباره دامنه، مفهوم، نقش و کارکرد آن، نظریه‌های

گونگون و تا حدی متفاوت را مطرح کرده‌اند (شهرکی، ۱۳۹۱: ۹). بسیاری از محققان به دلیل قدرت تحلیل و ظرفیت‌های متنوع نظریه‌گفتمانی در تحلیل بسیاری از پدیده‌ها و رویدادهای سیاسی - اجتماعی، از این روش بهره گرفته‌اند.

نخستین بار نظریه‌گفتمان و تحلیل‌گفتمانی را میشل فوکو مطرح کرد و صورت‌بندی‌های گفتمان و تأثیر آن بر امر واقع را مورد بررسی قرار داد (Foucault, 1991: 85). از دیدگاه فوکو، گفتمان یک جریان پیش‌رونده و لاینقطع است که در طول تاریخ وجود داشته است. او همواره تلاش داشت روند صورت‌بندی و دگرگونی‌گفتمانی را در همه عرصه‌های تاریخی و اجتماعی تحلیل کند و بنابراین تحول و ظهور و سقوط گفتمان را یک فرایند مستمر و پیوسته می‌داند (Id., 1986: 84).

روش تحلیل‌گفتمانی لاکلائو و موف در علوم اجتماعی و سیاسی، در امتداد تلاش‌های فوکو است. بر اساس رویکرد لاکلائو و موف، از طریق فرایند مفصل‌بندی، غیریت‌سازی، طرد، برجسته‌سازی و هژمونی، یک منظومه فکری برجسته می‌شود و یک منظومه فکری از منظر گفتمانی قابلیت اعتبار خود را از دست می‌دهد و حاشیه‌ای می‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳: ۳۹).

از نظر لاکلائو و موف، سیاست معنایی عام دارد که ما از طریق آن مدام به شیوه‌ای اجتماع را می‌سازیم و شیوه‌های دیگر را نفی می‌کنیم (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۶۰). در واقع مطابق دیدگاه آن‌ها، سیاست سامان دادن به جامعه به شیوه‌ای خاص است؛ به نحوی که شیوه‌های ممکن دیگر را طرد و نفی می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۶).

لاکلائو مفاهیم قابلیت اعتبار و دسترسی را برای تحلیل ظهور و افول گفتمان‌ها به کار می‌برد. از طریق قابلیت دسترسی می‌توان تبیین کرد که چگونه در طول بحران‌ها، بعضی گفتمان‌ها نسبت به دیگران با استقبال و موفقیت بیشتری روبه‌رو می‌شوند و یا چگونه بعضی از گفتمان‌ها اعتبار خود را از دست می‌دهند (Laclau, 1990: 66). اسطوره یکی دیگر از مؤلفه‌های نظریه‌گفتمان است که بر اساس آن، یک گفتمان برای شکل‌گیری و هژمون شدن، سعی در ارائه و معرفی یک جامعه آرمانی دارد که برآیند آن، انتقاد به گفتمان هژمون تلقی می‌شود. اسطوره‌گفتمانی را بازنمایی می‌کند که در صورت انحلال گفتمان موجود، شکل خواهد گرفت (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

مقام معظم رهبری در موارد زیادی در بیانات خود به موضوع گفتمان و فرایند گفتمان‌سازی اندیشه‌ها و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی تأکید داشته است. اگرچه دیدگاه‌های ایشان در مواردی با نظریه تحلیل گفتمانی فوکو و لاکلائو دارای تفاوت‌های جدی است، ولی در مواردی هم با آن هم‌راستا است و می‌توان منظومه فکری ایشان را در قالب تحلیل گفتمانی بررسی کرد.

اما نکته‌ای که ضرورت دارد به آن تصریح شود، تفاوت ماهوی نظریه گفتمان در اندیشه فوکو و همفکران او و اندیشه گفتمانی از منظر آیه‌الله خامنه‌ای است. گفتمان در معنای فوکویی و دیگر نظریات غربی، بر این ایده استوار است که حقیقت، در یک فرایند پی‌درپی و مستمر متأثر از روابط قدرت انسانی برساخته و جعل می‌شود و استفاده از تعابیر صدق و کذب در رابطه با حقایق بی‌معناست. به عبارت دیگر، هیچ حقیقت واحدی متأثر از منبع ماورایی وجود ندارد؛ در صورتی که در هندسه فکری مقام معظم رهبری، حقیقت واحد و منبعث از منبع ماورایی و توحیدی است و نه تابع مناسبات و معادلات قدرت.

بررسی و تحلیل بیانات و آثار فکری مقام معظم رهبری دلالت بر این دارد که گفتمان و فرایند گفتمان‌سازی در راهبرد ایشان از جایگاهی برجسته برخوردار است. گفتمان و گفتمان‌سازی با اصطلاحات و تعابیر گوناگون در مکتب فکری ایشان وجود دارد. ایشان برای ترسیم، مفصل‌بندی، تشریح و معرفی گفتمان‌های گوناگون از اصطلاحاتی مثل مکتب و جبهه استفاده می‌نماید. معظم‌له هدف نشست‌های متفاوت در سطح دانشجویی و نخبگانی را در راستای شکل‌گیری رویکرد فکری مشخص در جامعه یا گفتمان‌سازی می‌داند (مقام معظم رهبری، «بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی»، ۱۳۹۹/۰۲/۲۸) که می‌تواند در شکل‌گیری نظام اندیشه‌ای و دفاعی خاص با گستره و قلمرو نفوذ گسترده مؤثر باشد.

از نگاه ایشان، گفتمان تفکر رایج بین مردم است که باید به‌واسطه ابزارهای گوناگون این مهم تحقق پیدا کند. مطالبه و ذهنیت عمومی، انقلاب اسلامی را به اهداف خود نزدیک‌تر می‌کند (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری»، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰). مقام معظم رهبری در بیانات خود عناصر گفتمانی انقلاب اسلامی را با

عناصر و مؤلفه‌هایی چون حکمرانی اسلامی، سبک زندگی اسلامی، مبارزه با طاغوت، مسئله استقرار توحید به معنای واقعی کلمه و سرریز آن در حوزه فردی و ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، عدالت و اتکاء بر توانمندی‌های داخلی و... مفصل‌بندی می‌کند (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه»، ۱۳۹۸/۰۲/۱۸). ایشان استفاده از ابزارهای منبر، رسانه ملی، تبلیغات هنری، شعر، سینما و تئاتر را به‌منظور تبدیل این جهت‌گیری‌ها به گفتمان عمومی مناسب می‌داند که می‌تواند در رشد کمی و کیفی کنشگران یک گفتمان، مفید واقع شود (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی»، ۱۳۹۸/۰۵/۱۰).

مقام معظم رهبری از گفتمان در جامعه تعبیر به هوا می‌کند که همه تنفس می‌کنند؛ چه بدانند و چه ندانند؛ چه بخواهند و چه نخواهند (مقام معظم رهبری، «بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی»، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). گفتمان همان فکر رایج میان مردم است که در گام بعدی به مرحله عمل می‌رسد. گفتمان به‌مثابه بزرگراهی است که باعث انگیزه و شوق‌آفرینی در میان ملت‌ها می‌شود. گفتمان‌سازی باعث افزایش قابلیت بسیج‌کنندگی ذهن مردم به سمت یک حقیقت واحد می‌شود و ثمره آن، مطالبه عمومی و تبعیت دولت‌ها و مسئولان در برابر مطالبات جامعه است که البته تحقق این هدف زمانبر و نیازمند استقامت است (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان»، ۱۳۹۵/۰۴/۱۲). قدرت گفتمان از قدرت نخبگان ابزاری و مسئولان بالاتر است و یک گفتمان می‌تواند همه مسئولان و نخبگان را به دنبال خود بکشد و مطیع کند (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری»، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶) و به باور ایشان، گفتمان یک عنصر تصمیم‌ساز است که به‌واسطه آن می‌توان با غلبه بر واقعیت‌ها، آرمان‌ها را محقق کرد (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان»، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰). مقام معظم رهبری نقش نخبگان و خواص جامعه را در فرایند گفتمان‌سازی بسیار مهم و تأثیرگذار می‌داند. آن‌ها می‌توانند افکار ملت‌ها را به جهتی خاص هدایت کنند و باعث نجات ملت‌ها شوند.

گستره گفتمان انقلاب اسلامی که متکی بر قرآن و اسلام ناب تعریف می‌شود، نباید محدود به مرزهای ایران باشد و باید تلاش شود مفاهیم قرآن و اسلام، جزء مفاهیم

رایج و گفتمان‌های عمومی ملت‌های مسلمان در همه کشورها تبدیل شود (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن»، ۱۳۹۶/۰۲/۰۷). ایشان با ترسیم هویت و گفتمان اسلام در برابر گفتمان و هویت کفر، یکی از علل متزلزل شدن گفتمان اسلامی را دوری از قرآن و در نتیجه بی‌ایمانی می‌داند که پرونداد آن، وابستگی و ضعف گفتمان اسلام و انقلاب اسلامی در برابر گفتمان غیر خواهد بود.

از این رو، گفتمان‌سازی یکی از سازوکارها و برنامه‌های دفاعی مطرح در مکتب فکری مقام معظم رهبری است. این نوع سوگیری مقام معظم رهبری، همان‌طور که در آثاری چون *انسان ۲۵۰ ساله* و *یا طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن* به وضوح قابل مشاهده است، متأثر از قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام است. ایشان تشکیل، برجسته‌سازی و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی را در برابر گفتمان لیبرال‌دموکراسی به رهبری آمریکا مفصل‌بندی می‌کند. عناصر گفتمان انقلاب اسلامی از اعتبار فزاینده بین ملت‌ها برخوردار است و ایشان علت این پدیده را در سازگاری مؤلفه‌های غیرقابل تغییر آن با فطرت بشری می‌داند که در میان همه انسان‌ها واحد و مشترک است و هیچ بی‌مبالاتی را نمی‌پذیرد. از این رو، دایره شمولیت این گفتمان نمی‌تواند مرزهای جغرافیای ایران اسلامی باشد؛ بلکه هر جایی که انسان‌های با فطرت پاک حضور داشته باشند، مورد اقبال قرار خواهد گرفت. از طرفی، ایشان بی‌قراری در گفتمان لیبرال‌دموکراسی را به انحاء گوناگون با تعبیری چون گفتمان در حال احتضار بازنمایی می‌کند (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). ایشان در این نبرد نابرابر بین گفتمانی، بر این باور است که پیروزی از آن مسلمانان و مؤمنان راستین خواهد بود؛ زیرا ناکارآمدی گفتمان لیبرال‌دموکراسی در حال عیان شدن می‌باشد.

در ادامه تلاش شده است ضمن تحلیل فرایند مفصل‌بندی گفتمان انقلاب اسلامی در برابر گفتمان لیبرال‌دموکراسی، قابلیت اعتبار گفتمان انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری تشریح گردد و با تحلیل بی‌قراری گفتمان لیبرال‌دموکراسی به رهبری ایالات متحده آمریکا، هژمونی آن به چالش کشیده شده و آینده‌رو به زوال آن ترسیم شود.

۱. مفصل‌بندی گفتمان انقلاب اسلامی

مفصل‌بندی گفتمان انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری، برآمده از اسلام ناب و اصیل است و هرگونه انحراف و یا جرح و تعدیل در این عناصر پذیرفته نیست. از منظر مقام معظم رهبری، فهم ناقص مؤلفه‌های بنیادی اسلام ناب، منجر به محافظه‌کاری و در نهایت افول گفتمان انقلاب اسلامی خواهد شد و به تعبیری، قتلگاه انقلاب همین محافظه‌کاری است (مقام معظم رهبری، «بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر»، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲). از این رو، عناصر گفتمانی باید به شکل مستمر، تعریف، بازتعریف و تکرار شود. عناصر گفتمانی که مقام معظم رهبری در مقابل گفتمان لیبرال‌دموکراسی مطرح می‌کند، برآمده از اسلام انقلابی است که فهم و ادراک آن‌ها در هر گستره‌ای به انقلاب انسانی منجر خواهد شد. در منظومه فکری مقام معظم رهبری، بر اساس قرآن و سنت، همه انسان‌ها دارای سرشت و فطرت یکسان هستند. بنابراین عناصر گفتمانی که با فطرت اولیه بشر مغایرت نداشته باشند، قابلیت اعتبار خواهند داشت.

انسان انقلابی که محصول فرایند انقلاب انسانی منتج از فهم و ادراک اسلام سیاسی است، در برابر تضييع حقوق انسانی و نابسامانی‌های حاصل از آزادی نامحدود در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی که منجر به شکل‌گیری طبقات اجتماعی و اقتصادی و طبقه‌بندی انسان شود، مقاومت می‌کند. انسان انقلابی، ظلم‌ستیز و عدالت‌محور است، ظلم به مظلوم را نمی‌پذیرد و در برابر استکبار در همه اشکال آن مقاومت می‌کند.

هر مکتب فکری درصدد تعریف افق و چشم‌انداز آرمانی برای جامعه هدف خود است و مکتب اسلام و جهان‌بینی اسلامی که گفتمان انقلاب اسلامی بر آن استوار شده است، از این قاعده مستثنا نیست. چشم‌انداز و افق گفتمان انقلاب اسلامی، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است؛ جامعه‌ای آرمانی که بستر تکامل انسانی فارغ از هرگونه نژاد و طبقه است و همه انسان‌ها به بالاترین مرتبه وحدت می‌رسند و همه نیازهای انسانی در ابعاد معنوی و مادی پاسخ داده می‌شود و همه انسان‌ها از آزادی و

برابری برخوردار خواهند بود.

در ادامه تلاش شده است تا عناصر گفتمانی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری که ابتدای آن بر اسلام سیاسی و انقلابی است، به‌عنوان یک گفتمان رقیب در برابر گفتمان‌های غیر به‌ویژه گفتمان لیبرال‌دموکراسی به رهبری ایالات متحده آمریکا به شرح زیر ترسیم گردد.

هر گفتمانی مرکب از عناصری است که با داشتن قابلیت اعتبار در جامعه شکل می‌گیرد. استمرار یک گفتمان منوط به کیفیت فرایند مفصل‌بندی عناصر شکل‌دهنده گفتمان است. گفتمان باید خود را متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و جامعه تعریف و بازتعریف کند. حیات یک گفتمان مبتنی بر سازگاری با نیازها و شرایط زمانه است و باید قابلیت دسترسی و پاسخگویی خود را حفظ کرده و ارتقاء دهد.

گفتمان انقلاب اسلامی متأثر از اسلام سیاسی از منظر مقام معظم رهبری از این توانمندی برخوردار است و از ابتدای ظهور آن در صدر اسلام تا کنون به شکل پیوسته در زمان پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام و تا امروز در زمان زعامت مقام معظم رهبری، این گفتمان مفصل‌بندی و تبیین شده است. همواره رهبران این گفتمان با تعریف و بازتعریف عناصر گفتمانی، درصدد حفظ، استمرار و ایجاد فاصله با گفتمان‌های رقیب هستند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، این عناصر را غیرقابل تغییر دانسته و همواره بر آن اصرار دارد و موجودیت و استمرار حیات گفتمان انقلاب اسلامی را مبتنی بر استمرار و حیات این اصول می‌شمارد.

۱-۱. توحید

مقام معظم رهبری در کتاب *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی را توحید معرفی می‌کند. ایشان پیش از پرداختن به اصل توحید، مقوله ایمان را تشریح کرده و بر اساس آن، صرف اعتقاد قلبی به توحید را برای مؤمن بودن کافی نمی‌داند. ایشان بر این باور است که ایمان علاوه بر باور قلبی، با تعهد و مسئولیت‌پذیری مسلمانان تحقق پیدا می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

بنابراین لازمه ایمان به هر مبانی و اصولی، رفتار و کنش اجتماعی مطابق با آن است.

ایشان آثار فردی و اجتماعی ایمان به توحید را برمی‌شمرد و از آن تعبیر به قطعنامه توحید می‌کند. از قطعنامه‌های توحید باید به عدم پذیرش عبودیت غیر خدا، ایجاد جامعه بی‌طبقه، برابری فرصت‌ها و امکانات برای همه و اعتقاد به حاکمیت و مالکیت مطلق خداوند اشاره کرد. مقام معظم رهبری اعتقاد به توحید را دارای حد و مرز جغرافیایی و زمانی نمی‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۹۰): زیرا فطرت همه انسان‌ها فارغ از هر رنگ و نژاد و حوزه جغرافیایی خداجوست.

از این رو، اگر مفهوم ایمان و توحید برای همه انسان‌ها تبیین و آشکار شود، تأثیرگذاری آن را در همه حوزه‌های فردی و ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... مشاهده خواهیم کرد. ایمان به اصل توحید، بندگی و اطاعت از هرگونه استکبار و ظلم و همچنین پذیرش و رسوب بی‌عدالتی در ساختارهای اجتماعی و بین‌المللی را که از دستاوردهای گفتمان‌های رقیب و به‌طور خاص لیبرال‌دموکراسی غرب است، به چالش می‌کشد. بنابراین اگر مفهوم توحید برای ملت‌ها آشکار گردد و لوازم ایمان به آن فراهم شود، از پذیرش سلطه و برتری هر قدرت غیرالهی خودداری خواهند کرد و تبعیت از آن را بنا بر مکتب فکری آیه‌الله خامنه‌ای که برآمده از نص است، پذیرش طاغوت قلمداد خواهند نمود.

بر اساس مکتب فکری آیه‌الله خامنه‌ای، صرف پذیرش قلبی برتری خداوند کافی نیست. ایمان محصول باور قلبی به همراه تعهد و تکلیف است. از این رو لازمه ایمان به توحید، عدم پذیرش استکبار، سلطه و سروری غیرخداوند است که در آموزه‌های دینی از آن تعبیر به طاغوت می‌شود. به فرموده آیه‌الله خامنه‌ای، هرچه بیشتر به سمت توحید و پذیرش عبودیت خداوند پیش برویم، شرّ طواغیت و اندادالله - که از مصادیق بارز و اتم آن آمریکاست - بیشتر از سر ما کم خواهد شد (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار کارگزاران نظام»، ۱۳۷۷/۰۴/۲۱).

به باور آیه‌الله خامنه‌ای، اگرچه امروزه بسیاری از مسلمانان به خداوند باور دارند، اما کفر به طاغوت که از لوازم ایمان است، در آن‌ها وجود ندارد. ایشان در بسیاری از بیانات خود در مجامع داخلی و بین‌المللی درصدد است تا مفهوم واقعی ایمان را برای همه مسلمانان و ملت‌ها روشن نماید و تمسک به عروة الوثقی الهی را بدون کفر به

طاغوت امکان‌پذیر نمی‌داند. ایشان ملت‌ها را به جنگ با آمریکا دعوت کرده و به عدم پذیرش بزرگی و سروری آمریکا و گفتمان‌های سیاسی و فکری متأثر از آمریکا سفارش می‌کند (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی»، ۱۳۸۵/۰۵/۳۰).

آیه‌الله خامنه‌ای دشمنی انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی با آمریکا را دشمنی با سرزمین و جغرافیا و ملت آمریکا نمی‌داند و ملت و سرزمین آمریکا را همانند دیگر ملت‌ها و سرزمین‌ها می‌داند. از این رو، آنچه که گفتمان انقلاب اسلامی با آن مخالف است، خوی و منش استکباری و طاغوتی آمریکاست که امروز به وسیله علم و فناوری از حوزه جغرافیایی آمریکا نیز فراتر رفته است (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور»، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹).

۲-۱. پیوند دین و دنیا در برابر گفتمان فاقد معنویت

از مؤلفه‌های بنیادی مدرنیته و به تبع آن لیبرال‌دموکراسی آمریکا، تفکیک دنیا و آخرت است که در قالب مقوله سکولاریسم برجسته می‌شود. بر اساس این مؤلفه، دین و سیاست تفکیک می‌شوند و ارتباطی بین این دو مؤلفه وجود ندارد و بدون توجه به نیاز معنوی و فطری انسان، صرفاً بر نیازهای مادی و دنیایی او تأکید می‌شود؛ حال آنکه در گفتمان انقلاب اسلامی برآمده از اسلام ناب، دین و دنیا یک پیوند ناگسستنی دارند. دین به‌عنوان برنامه زندگی باید تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت باشد. آنچه اسلام مطرح می‌کند، این است که عرصه فعالیت دین، تمام گستره زندگی بشر است؛ از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل بین‌المللی و در کل، مسائلی که به مجموعه بشریت ارتباط دارد. در قرآن، این معنا به‌وضوح عنوان شده است. به باور مقام معظم رهبری، اگر کسی این قضیه را انکار کند، قطعاً به بیانات قرآن توجه نکرده است (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام»، ۱۴۰۰/۰۸/۰۲).

به عبارت دیگر، دین درصدد تأمین نیازهای مادی و معنوی و تکامل بشر در همه ابعاد است. برخلاف گفتمان انقلاب اسلامی، در گفتمان غیر یعنی لیبرال‌دموکراسی، تمرکز

بر رویکردهای پوزیتیویستی است و ابعاد معنوی زندگی بشر مغفول مانده است. از طرفی در بعضی از مکاتب فکری از سر دیگر طیف به رهبانیت که از نظر اسلام سیاسی مطرود است، منجر شده است. به اعتقاد مقام معظم رهبری، اعتقاد به توحید و جهان آخرت، زمینه امیدواری، پویایی و تلاش مستمر را در فرد و جامعه ایجاد می‌کند؛ برخلاف مکاتب دیگر از جمله لیبرالیسم که زندگی فرد با مرگ به پایان می‌رسد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

مقام معظم رهبری ناتوانی گفتمان لیبرال‌دموکراسی را در پاسخگویی به یکی از نیازهای اساسی بشر یعنی اخلاق و معنویت، برجسته می‌کند و در برابر آن، گفتمانی را معرفی می‌کند که از جامعیت برخوردار است. به عبارت دیگر، ایشان با برجسته کردن و تشریح نقصان و ناتوانی این گفتمان در برابر جامعیت گفتمان اسلام سیاسی، یک رویکرد تدافعی در برابر گفتمان اسلام ناب در پیش می‌گیرد و به گفتمان رقیب انتقاد می‌کند.

۳-۱. استکبارستیزی

از لوازم اساسی ایمان، تعهد و تکلیف در رابطه با عدم پذیرش عبودیت غیر خداوند و طرد طاغوت است. امام خمینی و همچنین مقام معظم رهبری به تأسی از سیره معصومان و انبیاء الهی (علیهم‌السلام)، از مصادیق روشن طاغوت در دنیای امروز را دولت استکباری آمریکا می‌دانند. از این رو، مقام معظم رهبری یکی از عناصر گفتمانی انقلاب اسلامی را استکبارستیزی در برابر قدرت‌های سلطه‌گر مفصل‌بندی می‌کند.

ایشان بر این باور است که عقب‌افتادگی کشورهای اسلامی و عدم نقش‌آفرینی مسلمانان در آینده کشورهايشان محصول انفعال در برابر کشورهای مستکبر است. مقاومت در برابر سیادت آمریکا و تلاش برای به دست گرفتن سررشته آینده دنیای اسلام با تکیه بر معارف اسلامی، از عمده‌ترین علل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران است (مقام معظم رهبری، «پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج»، ۱۴۰۰/۰۴/۲۸). زیربنای فکری محکم و قوی، اساس مبارزه و ایستادگی در برابر استکبار و سلطه است. در صورت عدم برخورداری از زیربنای فکری منبث از اسلام ناب، با وجود موفقیت‌های مقطعی همانند انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، شاهد برگشت از آرمان‌ها و

حرکت در مسیر اسلاف خواهیم بود (مقام معظم رهبری، «بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی»، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹).

مقام معظم رهبری استکبارستیزی را عین عقلانیت معرفی می‌کند و بر این باور است که استکبار، جامع خشونت، تروریسم، جنگ‌افروزی و انواع شیطنت‌ها و بدی‌هاست (مقام معظم رهبری، «بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام»، ۱۳۹۹/۰۸/۱۳؛ بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). امروز آمریکا با قرار گرفتن در قله طغیان، استکبار و طاغوت، زمینه رویارویی دو گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی و به عبارتی دو گفتمان استکباری و استکبارستیزی را ایجاد کرده است.

۴-۱. مردم‌سالاری دینی

جمعیت و افراد انسانی، عنصر بنیادی تشکیل حکومت است. به تعبیر دیگر، فلسفه وجودی ساختار نظام‌های سیاسی و حکومت، پاسخ به نیازهای انسانی است. از این رو، انسان در ایجاد و اداره حکومت نقش محوری دارد. گفتمان لیبرال‌دموکراسی غرب، مدلی از دموکراسی را ارائه می‌کند که مبتنی بر عناصری چون اومانیزم، سکولاریسم، آزادی به معنای اباحه‌گری و... است و هر گونه مدل حکومتی را که به معارضة و انتقاد با این مدل برآید، با عناوین مختلفی چون استبداد طرد می‌کند. اما گفتمان انقلاب اسلامی با معرفی مردم‌سالاری دینی، مدلی از دموکراسی را ارائه می‌کند که نه به الگوی استبدادی و نه به الگوی دموکراتیک غربی می‌ماند. این الگوی بدیل، از سنخیت و تناسب بیشتری با جامعه اسلامی برخوردار است.

مقام معظم رهبری مردم‌سالاری دینی را ترکیب دو رکن ناگسستنی اسلامیت و جمهوریت می‌داند که با تضعیف هریک از این دو رکن، دیگری حتماً سبلی خواهد خورد. این مدل از دموکراسی، نه تحت تأثیر احساسات و فشارهای رسانه‌ای غرب، بلکه با یک معرفت عمیق از دین و استنباط عالمانه از متن دین برداشت شده است و حتی مشارکت مردم در سرنوشت خودشان به‌عنوان یک فریضه و واجب معرفی شده است که ترک آن در بعضی از مقاطع، هم‌ردیف گناهان کبیره شمرده شده است (مقام

معظم رهبری، «سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و دومین سالگرد رحلت امام خمینی»، ۱۴/۰۳/۱۴۰۰).
 الگوی مردم‌سالاری دینی در گفتمان انقلاب اسلامی صرفاً دنیای انسان را کانون توجه خود قرار نمی‌دهد؛ بلکه دنیا و آخرت را توأمان مدّ نظر قرار می‌دهد. مقام معظم رهبری مردم‌سالاری دینی را مایه رشد و توسعه معنوی و مادی می‌داند که ارزش بسیار والایی دارد و مردم از آثار آن در دنیا و آخرت بهره‌مند می‌شوند (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس سازمان همکاری اسلامی»، ۲۶/۱۰/۱۳۹۶).
 مقام معظم رهبری در مقابل، الگوی دموکراسی در لیبرال‌دموکراسی آمریکا را سراسر تناقض و دارای خلل معرفتی و عملی می‌داند که قادر به اقناع افکار عمومی جهان نیست (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۲۵/۰۶/۱۳۹۴). به عبارت دیگر، پایه‌های ارزشی، معرفتی و عملی آمریکا امروز دچار تزلزل شده است. از مظاهر تعارضات عملی با شعارهای دموکراسی آمریکا می‌توان تلاش این کشور برای سرنگونی پنجاه دولت را برشمرد. مقابله با ده‌ها جریان مقاومت مردمی در کارنامه آمریکا وجود دارد که از نمونه‌های بارز و امروزی آن می‌توان به کمک به غاصبان و دشمنان ملت فلسطین و یمن اشاره کرد. استفاده از بمب اتم در کارنامه دولتی وجود دارد که بیش از همه دولت‌ها، دم از دموکراسی می‌زند (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری»، ۱۳/۰۶/۱۳۹۳). از منظر فکری مقام معظم رهبری، از نظام حکومتی و دموکراسی که مبتنی بر معرفت غیرتوحیدی و غیرالهی باشد، چیزی جز آن را نمی‌توان انتظار داشت.

۲. قابلیت اعتبار گفتمان انقلاب اسلامی

در فضای بی‌قراری و بحران ناشی از افول یک گفتمان مسلط و عینیت‌یافته، غلبه و عینیت‌یابی گفتمان‌های جدید، مستلزم شرایطی است. برای اینکه یک اسطوره گفتمانی، به افق تصویری جامعه و یا گفتمان مسلط تبدیل شود، شرایطی لازم است. پیروزی و غلبه یک گفتمان، محصول قابلیت دسترسی^۱ آن است؛ یعنی در دسترس بودن در زمینه

1. Availability.

و موقعیتی که هیچ گفتمان دیگری خود را به‌عنوان جایگزین واقعی هژمونیک نشان نمی‌دهد (Laclau, 1990; 29). بنابراین در دسترس بودن دال‌های یک گفتمان می‌تواند زمینه پیروزی یک گفتمان خاص را فراهم کند و آن را به افق تصویری جامعه تبدیل نماید. از دیگر لوازم پذیرش و تفوق یک گفتمان، قابلیت اعتبار^۱ است. به عبارت دیگر، دال‌ها و مؤلفه‌های گفتمانی یک گفتمان نباید با ارزش‌ها و هنجارهای حوزه‌های گسترش این گفتمان در تضاد و یا تعارض باشد.

همان‌طور که در تفاوت دیدگاه گفتمانی مقام معظم رهبری و اندیشه گفتمانی در نظریات غرب اشاره شد، حقیقت در اندیشه و فلسفه اسلامی، واحد و متأثر از منابع ماورایی است. برخلاف فلسفه پست‌مدرن که حقیقت در یک فرایند مستمر تولید و برساخته می‌شود و تابع معادلات قدرت است، در فلسفه اسلامی حقیقت مستقل و واحد وجود دارد و متأثر از معادلات قدرت، دچار تغییر و تحول نمی‌شود و مقید به منبع وحی و اخلاق است.

مجموعه عناصر مفصل‌بندی‌شده گفتمان انقلاب اسلامی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که به‌واسطه آن، برتری گفتمان‌های غیر به‌ویژه گفتمان لیبرال‌دموکراسی ایالات متحده آمریکا را به چالش می‌کشد و افراد و ملت‌های بسیاری را از سایر کشورها و نقاط جهان مجذوب خود می‌کند. به‌باور مقام معظم رهبری، علت اصلی و بنیادی اقبال ملت‌ها به مبانی و اصول انقلاب اسلامی را باید در سازگاری مؤلفه‌های انقلاب اسلامی با فطرت بشری و همچنین شعارهای جهانی آن دانست (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). انسان به‌طور فطری به اموری چون استقلال، عدالت، پیشرفت، تعالی، بصیرت، معنویت و استقامت در برابر متجاوزان گرایش دارد. حتی افرادی که گرایش به اعتقادات ایمانی ندارند، نسبت به این امور حساسیت مثبت نشان می‌دهند. برای دریافت این گرایش‌های فطری نیازی به بررسی‌ها و مطالبات میدانی نیست. کافی است که انسان با مراجعه به نهاد خویش و از طریق علم حضوری نسبت به چنین گرایشاتی واکنش نشان داده، موضع منفی بگیرد و داشتن

1. Credibility.

این امور برایش خوشایند نباشد (رهنمایی، ۱۳۹۹: ۲۰۱).

از این رو، این گفتمان به شکلی مفصل‌بندی شده است که قابلیت اعتبار و مقبولیت آن، محدود به مرزهای جغرافیایی ایران نمی‌باشد. مقام معظم رهبری بر این باور است که مفاهیم انقلاب اسلامی در دنیا و در میان تمام ملت‌های آزاده زنده است و پایبندی بر این مفصل‌بندی و شعارها، ایران اسلامی را به سرمنزل مقصود یعنی تحقق تمدن نوین اسلامی می‌رساند و تمام کانون‌های دشمنی با ایران اسلامی را رو به زوال می‌برد (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه»، ۱۳۸۱/۰۶/۲۴)؛ برخلاف گفتمان لیبرال‌دموکراسی که مبتنی بر مبانی ماتریالیستی، سکولاریسم و اباحیگری است و در مواردی در تعارض کامل با فطرت اولیه بشری است.

۳. برجسته‌سازی بی‌قراری در گفتمان لیبرال‌دموکراسی آمریکا

برجسته‌سازی نقاط ضعف و تبیین بحران در گفتمان رقیب، یکی از سازوکارهای دفاعی ترسیم‌شده از سوی مقام معظم رهبری است. بحران و بی‌قراری^۱ وضعیتی است که حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت و تکثر در هنگام افول یک گفتمان عینیت‌یافته و مسلط می‌باشد. پس از استقرار یک گفتمان و در فرایند عینیت‌یابی و رسوب شدن یک گفتمان می‌توان ساختار درونی آن را مورد کاوش قرار داد. در تحلیل گفتمانی این امر با تمرکز بر دال مرکزی یک گفتمان صورت می‌گیرد (Jørgensen, 2002: 28). این اقدام یکی از سازوکارهایی است که مقام معظم رهبری به منظور دفاع از گفتمان انقلاب اسلامی و مقابله با گفتمان لیبرال‌دموکراسی مورد توجه قرار می‌دهد.

این سازوکار در برابر گفتمان‌های رقیب انقلاب اسلامی، افشا و تشریح ماهیت واقعی گفتمان‌های رقیب است که به توصیه مقام معظم رهبری، مأموریت مذکور باید در سطوح نخبگانی و اساتید دانشگاه در حوزه‌های تخصصی علوم انسانی انجام گیرد. به اعتقاد ایشان، از الزامات هر حرکت عمومی و نهضتی، خلق واژگان و نهادهای متناسب با تفکرات و مبانی پایه‌ای آن نهضت و جریان است. وقتی یک فکر جدید

1. Dislocation.

مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی- مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القا می‌کند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفته شود، فضا آشفته خواهد شد و مطلب ناگفته خواهد ماند (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه»، ۱۳۹۰/۰۷/۲۲).

از این رو، مقام معظم رهبری ضمن گفتمان‌سازی، اقدام به تبیین و تشریح بی‌قراری و بن‌بست در گفتمان‌های غیر به‌ویژه لیبرال‌دموکراسی به رهبری آمریکا می‌کند. ایشان معتقد است که امروزه منطق لیبرال‌دموکراسی و نظام فکری که کشورهای غربی بر اساس آن هدایت و اداره می‌شوند، از کمترین ارزش اخلاقی برخوردار نیست و هیچ ارزش اخلاقی و احساس انسانیت در آن وجود ندارد (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار دانشجویان»، ۱۳۹۳/۰۵/۰۱). از طرفی، موجودیت قطب سرمایه‌داری و الگوی لیبرال‌دموکراسی غرب، حتی در خود اروپا و آمریکا نیز با خطر اضمحلال روبه‌رو شده و در شرایطی شبیه شرایط بلوک شرق کمونیستی در دهه ۸۰ میلادی قرار گرفته است (مقام معظم رهبری، «خطبه‌های نماز جمعه تهران»، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). ایشان گفتمان لیبرال‌دموکراسی را به‌عنوان پایه تمدن غرب، ناموفق و در حال افول می‌داند و در اثبات این مدعا، به ادعاهای نخبگان علمی و جامعه‌شناسی اشاره می‌کند که قدرت معنوی و نرم آمریکا را در حال انحطاط می‌دانند. ایشان از دستاوردهای گفتمان لیبرال‌دموکراسی در غرب، به شکاف‌های اجتماعی، نبود عدالت اجتماعی، نابود شدن خانواده، فساد اخلاقی فراگیر و همه‌گیر، فردگرایی‌های افراطی و شدید، بحران‌های بی‌سابقه اقتصادی، شکست‌های بزرگ نظامی در عراق و افغانستان و لبنان و غزه، سقوط یا تزلزل اکثر دیکتاتورهای وابسته و دست‌نشانده آنان در کشورهای مسلمان و عربی، به خطر افتادن رژیم صهیونیستی از شمال و غرب و از درون به‌نحوی بی‌سابقه، افشا شدن ماهیت وابسته سازمان‌های بین‌المللی و برخوردهای گزینشی و سیاسی با مسئله دموکراسی و حقوق بشر، تناقض‌گویی و پریشان‌گویی در موضع‌گیری دوگانه در برابر مسائل لیبی، مصر، بحرین، یمن و... اشاره می‌کند (همان). به باور ایشان، نمونه ریاست جمهوری دونالد ترامپ، اوج انحطاط لیبرال‌دموکراسی است که همه مرزهای اخلاق و پیمان‌های بین‌المللی را درنوردید و به

همه اقتدار و آبروی آمریکا و هم لیبرال‌دموکراسی چوب حراج زد (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان»، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲).

ناتوانی یک گفتمان برای پاسخگویی به سؤالات و مطالبات سیاسی و اجتماعی، نقطه آغاز انحطاط و سقوط یک گفتمان هژمون است. مقام معظم رهبری برای تبیین ناکارآمدی و بن‌بست در گفتمان لیبرال‌دموکراسی آمریکا، ناتوانی این گفتمان در پاسخ به ساده‌ترین سؤالات افکار عمومی دنیا را مطرح می‌کند. شعار دروغین حمایت از حقوق بشر، حمایت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آمریکا از عربستان سعودی در حمله به یک کشور مستضعف مثل یمن، حمایت از اشغالگری در فلسطین، ایجاد و حمایت از تروریسم و حرکت‌های افراط‌گرایانه مانند داعش و... (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش»، ۹۴/۱۱/۱۹)، همه نمونه‌هایی هستند که بی‌قراری و ناکارآمدی گفتمان لیبرال‌دموکراسی را برجسته می‌سازند.

نتیجه‌گیری

تحلیل کیفی بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ایشان در ابعاد نظری، رفتاری و کنش سیاسی، متأثر از یک مکتب فکری منسجم و جامع است. مکتب فکری ایشان مبتنی بر اسلام سیاسی است که از مسیر تحول در انسان‌ها، مسیر انقلاب اسلامی و در نهایت حصول تمدن نوین اسلامی را هدف‌گذاری می‌کند. از اصول بنیادین انقلاب اسلامی، توحید است که لازمه ایمان به توحید، نفی بندگی و سرسپردگی هر معبودی جز خداوند است که از منظر ادبیات دینی، طاغوت قلمداد می‌شود. همین اصل، زمینه رویارویی و دشمنی قدرت‌های برتر با اسلام سیاسی را ایجاد می‌کند. از مصادیق این رویارویی، دشمنی دولت ایالات متحده آمریکا با انقلاب اسلامی با مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی خاص آن است.

تأمل در بیانات و مواضع مقام معظم رهبری نشان می‌دهد سازوکاری که ایشان در برابر تهاجمات و کارشکنی‌های ایالات متحده در پیش گرفته است، یک رویارویی گفتمانی است. به عبارت دیگر، ایشان با رویکرد گفتمانی‌سازی، سعی در تعریف و بازتعریف گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام سیاسی داشته است. از طرف دیگر،

ایشان تلاش می‌کند گفتمان دیگری تحت عنوان گفتمان لیبرال‌دموکراسی غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا را معرفی نماید که در تقابل و رویارویی با گفتمان اسلام سیاسی است.

ایشان گفتمان انقلاب اسلامی را دارای قابلیت اعتبار و دسترسی در میان همه ملت‌ها می‌داند و علت این مزیت را مطابقت و سازگاری عناصر گفتمانی انقلاب اسلامی با فطرت هر انسانی عنوان می‌کند. همه انسان‌ها با فطرت اولیه و پاک با هر مبانی اعتقادی و سیاسی، عناصر مفصل‌بندی‌شده گفتمان انقلاب اسلامی را می‌پذیرند. از طرفی ایشان به تحلیل و تبیین بی‌قراری در گفتمان لیبرال‌دموکراسی ایالات متحده آمریکا می‌پردازد. ایشان ارزش‌های اخلاقی و انسانی را یک حلقه مفقوده در گفتمان لیبرال‌دموکراسی می‌داند؛ به گونه‌ای که این گفتمان حتی در خود آمریکا با خطر اضمحلال و نابودی مواجه شده و به تعبیری در حال احتضار است.

بنابراین مقام معظم رهبری در تلاش است از فرایند مفصل‌بندی و برجسته‌سازی یک گفتمان و نظام اندیشه‌ای متفاوت که از مؤلفه‌های توحید در برابر طاغوت، مقاومت در برابر استکبار، وحدت دین و دنیا در برابر اهتمام صرف بر مادیات برخوردار است، به عنوان یک ابزار و سازوکار دفاعی، به رویارویی و مقابله با گفتمان لیبرال‌دموکراسی آمریکا بپردازد. ایشان گفتمانی را تعریف و معرفی می‌کند که سازگار با فطرت بشر است؛ از این رو، هیچ محدودیت نژادی، دینی و جغرافیایی ندارد و به عبارت دیگر، از قابلیت اعتبار بسیار بالایی در گستره بین‌المللی برخوردار است.

امروزه با گسترش رسانه‌های ارتباطی، قدرت نفوذ گفتمان و اندیشه به مراتب عمیق‌تر و مؤثرتر از رویکردهای نظامی و تهاجمی است؛ حقیقتی که بسیاری از سیاستمداران برجسته در عرصه سیاست خارجی و نظام بین‌الملل به آن تصریح کرده‌اند. قدرت و نفوذ گفتمانی انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام سیاسی، زمینه مقاومت و ایستادگی در برابر قدرت استکبار را نه فقط در مرزهای جغرافیایی ایران، بلکه در هر جایی که اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی نفوذ کرده است، ایجاد نموده است. از این رو، تقابل و رویارویی‌ها با آمریکا در کشورهای مختلف، نه ثمره جنگ نیابتی که محصول نفوذ گفتمانی انقلاب اسلامی و بیداری ملت‌هاست.

علاوه بر مفهومی که از بی‌قراری در نظریه گفتمانی ارائه شد، در ادبیات عرفان اسلامی نیز مفاهیم بی‌قراری قابل مشاهده است. اگر در فلسفه سیاسی و در نظریه گفتمانی غرب، بی‌قراری به شرایط اضمحلال و رو به انحلال یک گفتمان و ازین‌رفتن مفصل‌بندی عناصر گفتمانی اطلاق می‌شود که از پس قرار و ثبات یک گفتمان می‌آید، در نظریات عرفانی، زمانی که از بی‌قراری سخن به میان می‌آید، پای امر متعالی در میان است. در بی‌قراری عارفانه، چشم آدمی به آسمان خیره می‌شود و پس از آنکه عارف عظمت هستی را تجربه کرد، آنگاه به کوچکی خود پی می‌برد. عارفان قرار و ثبات را متاعی نایاب می‌دانند که جز با حرکت به سمت منشأ حق و حقیقت امکان ظهور و تحقق ندارد؛ ازین‌رو، قرار را در وصل به خداوند می‌دانند و لاغیر.

کتابنامه

۱. حاجی‌ناصری، سعید، و حامد انوریان اصل، «مبارزه با آمریکاگرایی در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۸)، پاییز ۱۴۰۰ ش.
۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران، صها، ۱۳۹۲ ش.
۳. خسروپناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران، *منظومه فکری آیه‌الله العظمی خامنه‌ای*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۴. رهنمایی، سیداحمد، «ماندگاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر مبانی فطری و کلامی»، *فصلنامه اندیشه‌نوین دینی*، سال شانزدهم، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۵. سلطانی، سیدعلی‌اصغر، *قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)*، تهران، نی، ۱۳۸۴ ش.
۶. قجری، حسینعلی، و جواد نظری، *کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی*، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲ ش.
۷. محمدی، منوچهر، *آمریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه‌الله خامنه‌ای*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۸. مطهری، مرتضی، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی*، تهران، صدرا، ۱۳۸۵ ش.
۹. مقام معظم رهبری، «بیانات، بیانیه‌ها، پیام‌ها، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری»، قابل دسترس در پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له به نشانی <Khamenei.ir>.
۱۰. منوچهری، عباس، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران، سمت، ۱۳۹۴ ش.
۱۱. میرحسینی، سیدمحسن، ایرج رحیم‌پور اصل، و فاطمه قیمی بشنو، «مؤلفه‌های اندیشه‌های دفاعی آیه‌الله خامنه‌ای (در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی)»، *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، سال دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۱۲. یورگنسن، ماریان، و لوئیز فیلیپس، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی، ۱۳۹۳ ش.
13. Foucault, Michel, *The Foucault Effect: Studies in Governmentality*, Graham Burchell, Colin Gordon & Peter Miller (Eds.), Hemel Hempstead, Harvester Wheatsheaf, 1991.
14. Id., *The Foucault Reader*, Paul Rabinow (Ed.), London, Penguin Books, 1986.
15. Jørgensen, Marianne & Louise J. Phillips, *Discourse Analysis As theory and method*, London, Sage Publications, 2002.
16. Laclau, Ernesto, *New Reflections on the Revolution of Our Time*, London, Verso, 1990.

